

مشروح دادگاه شهید مجید، زنده یاد جاوید، جناب سهراب حبیبی

در خرداد ماه سال ۱۳۶۱ هفت نفر اعضاء محفل محلی بهائیان همدان به اعدام محکوم شدند. این اتفاق در حالی رخ داد که تا چند روز قبل از صدور و اجرای ناگهانی حکم اعدام، همه جا سخن از تبرئه آنان بود و خانواده هایشان خود را برای آزادی قریب الوقوع آنان آماده می کردند. این هفت نفر که مسئولین اداری جامعه بهائیان همدان بودند، طبق روال جوامع بهائی در همه جای دنیا، در انتخاباتی که هر ساله برگزار می گردد، مسئولیت ارائه خدمات به جامعه بهائی را به مدت یکسال بعهده گرفته بودند.

محفل روحانی بهائیان همدان تنها گروهی از بهائیان نبودند که در سالهای بحرانی دهه شصت به اعدام محکوم شدند. در طول این سالها هزاران نفر زن و مرد بهائی در نقاط مختلف کشور ایران به بهانه های واهی بازداشت شدند و بیش از دویست نفر آنان اعدام گردیدند. به مرور زمان سخافت و بطلان اتهامات وارده به بهائیان بر همه دست اندرکاران



آشکار شد و حتی در یک مورد از این محاکمات، مدعیان نتوانستند مدرک و دلیلی دال بر اتهامات بی اساسشان ارائه دهند. این بود که در سالهای پایانی دهه شصت رفته رفته بهائیان از زندان آزاد گردیدند و به زندگی عادی (ولی همراه با محدودیتها و محرومیتهای شدید اجتماعی) بازگشتند.

در دو سال اخیر چند روزنامه و تعداد معدودی از سایتهای اینترنتی مجدداً به انتشار این اتهامات بی اساس مبنی بر جاسوسی و ارتباط با کشورهای خارجی پرداخته اند. دامنه این تهمت پراکنی ها بدانجا رسیده است که بعضا شاهد بازداشت و زندانی شدن تعدادی از مسئولین جامعه بهائی در گوشه و کنار کشور بوده ایم و اخیراً نیز اعضاء هیئتی را که عهده دار اداره جامعه بهائیان ایران در سطح ملی می باشد بازداشت نموده اند. این اقدامات مجدداً بر این نگرانی دامن زده است که مبادا دروغ پراکنی ها و تهمت زدنها به مرور زمان عده ای زود باور را تحت تاثیر قرار دهد و موجب ریخته شدن مجدد خون بی گناهان گردد. برای روشن شدن ذهن این گروه و افزایش اطلاعات و آگاهی سایر ایرانیان متن محاکمه و پاسخهای یکی از اعضاء محفل بهائیان همدان در این قسمت آورده می شود.

شاید شاهدی باشد که چگونه تعصبات مذهبی وقتی با زودباوری و عدم تحقیق و بررسی منصفانه توأم گردد، خون بی گناهی را بر زمین می ریزد و خانواده های مظلومی را داغدار می سازد.

متن ذیل از یادداشتهای جناب سهراب حبیبی در زندان همدان استخراج شده است که چند روزی قبل اجرای حکم اعدام شرح دادگاه خود را برشته تحریر در آورده اند. لازم به ذکر است که بعد از دادگاه قاضی پرونده به ایشان و سایر زندانیان امیدواری می دهد که چون دلیلی بر علیه شما نداریم بزودی آزاد می گردید.

متن یادداشتهای:

پس از معرفی خود به نام و نام فامیل، نام پدر و شماره شناسنامه و محل تولد و شغل سئوالات زیر مطرح شد:

س: بهاییان در این مملکت رسمیت ندارند چطور شما استخدام شده اید؟

ج: در موقع استخدام ستون مذهب برگ پرشنامه را سفید گذاشتم.

س: چرا؟

ج: چون می خواستم از بدو استخدام فردی صادق باشم.

س: آخر شماها رسمی نبودید؟

ج: در قانون اساسی و قانون استخدام کشوری استخدام بهاییان منع قانونی نبود.

س: چرا... در موقع استخدام اعلام می کردند مسلمان، یهودی، زردشتی و مسیحی باشند؟

ج: آن نظر شخصی و فرد رئیس اداره یا وزیر مربوطه بوده نه قانون استخدام.

س: چطور نظر شخصی بوده؟

ج: اگر قانون بود این موضوع باید در مجلس قانون گذاری تصویب می شد و در قوانین اساسی و استخدام کشوری

اشاره می شد. در صورتیکه چنین مسئله ای نبوده و استخدام بهائیان هم غیر قانونی نبود.

(گفتند اینطور نیست. عرض شد می توانید تحقیق نمایند.)

س : شما به اختفای اسناد و تحویل ندادن آن متهم هستید .

ج : اسنادی نبوده بلکه اوراق محفل می باشد که در یک کارتون که حاوی ۵ الی ۶ زونکن و چند پوشه بوده که تحویل آقای خزین شد و ایشان هم به آقای محمد سموات تحویل داده اند و فعلا در دادگاه محترم انقلاب می باشد.

س : طبق اظهارات سرایدار شما ، کارتون و اوراق بیشتری بوده تحویل نداده اید .

ج : اشتباهی رخ داده چون در موقع خروج از حظیره القدس آقای دهقان [سرایدار] در آن جا نبودند که ببینند .

س : چرا [مدارک را] بیرون آوردید ؟

ج : چون مرتب ، تلفنی تهدید به آتش سوزی می کردند . با دستور محفل برای حفظ آن بجای امن تری بردیم که محفوظ بماند .

س : چرا تا ۵ سال نگهداری می کردید ؟

ج : اولاً اموال شخصی است و تصمیم با خود محفل بوده . ثانياً محفل به هیچ وزارتخانه دولتی وابستگی نداشته یا از جایی دستور نمی گرفته که بایگانی تا چند سال نگهداری شود و چون اموال شخصی است طبق تصمیم محفل تا ۵ سال نگهداری می شد آن هم برای روز مبادا و این هم سلیقه محفل همدان بوده شاید سایر محافل اوراق (آرشیو) را تا یکسال هم نگهداری نکنند .

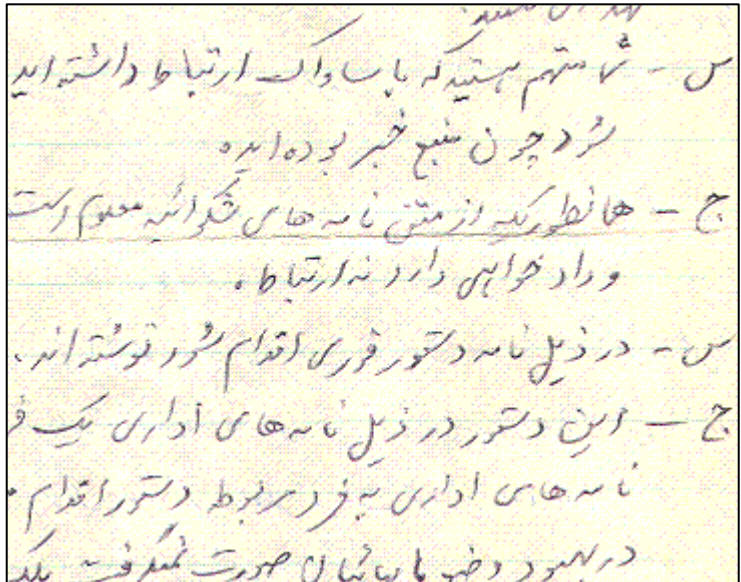
س : شما متهم هستید که با ساواک ارتباط داشته اید چون ذیل نامه ها دستور داده اند فوری اقدام شود ، چون منبع خبر بوده اید .

ج : همانطوری که از متن نامه های شکوائیه معلوم است - و حتما مطالعه فرموده اید - فقط جنبه شکوائیه و دادخواهی دارد نه ارتباط .

س : در ذیل نامه ها دستور " فوری اقدام شود " نوشته اند .

ج : این دستور در ذیل همه نامه های اداری ، یک فرمول است که تمام نامه های اداری به فرد مربوطه دستور اقدام می نوشتند و متاسفانه نه تنها هیچ اقدامی در بهبود وضع بهائیان صورت نمی گرفت بلکه فردای آن روز و روزهای دیگر شدیدتر عمل می کردند .

س : مگر ژاندارمری و شهربانی نبود که به ساواک می فرستادید ؟



ج : این نامه های شکوائیه را خود افراد یا به شهربانی یا به ژاندارمری می بردند و بعد آن مقامات می گفتند ، رو نوشت و یا یک نامه ای هم به ساواک بفرستید و اگر به خاطر داشته باشید در سابق ، ساواک تام الاختیار بودند.

س : متهم هستید به اینکه در اثر تلگرافهایی که از همدان و اطراف به دولت موقت بازرگان مخابره شده اخلاص در کار انقلاب کرده اید . در صورتیکه در اطراف محفل نبوده ؟

ج : از متن تلگرافات کاملا مشهود است که یا عرض تبریک شده یا در اثر اذیت و آزار عده ای فرصت طلب ، شکوائیه و دادخواهی شده است . و هیچ نوع مطلب اخلاص گری در متن تلگرافات به چشم نمی خورد . از طرفی در آن موقع که تلگرافات مخابره شده در این دهات محافل موجود بودند ولی حالا ، بلی ، محفل نیست و دادگاه محترم می تواند تحقیق بفرمایند .

س : به آیت الله مدنی و عالمی شکایت شده و نسبت به کمیته های اطراف اهانت شده که کار شکنی می کنند ؟

ج : هیچ نوع اهانتی به کمیته های اطراف نشده چند نفر از بهایی های امزاجرد ، چون تامین جانی و مالی نداشتند نامه شکوائیه به آیت الله مدنی نوشتند . ایشان در همدان تشریف نداشتند . به آقای آیت الله عالمی راهنمایی کردند و نزد

ایشان رفتند و آیت الله عالمی هم طی نامه ای به کمیته های اطراف توصیه نمودند که بهایی ها را اذیت نکنند وقتی نامه را به کمیته امزاجرد دادند هیچ ترتیب اثری ندادند و به کار اذیت خود ادامه دادند .

س : شما تمام کمیته ها را اسم برده اید، آن یک کمیته بوده است .

ج : سایر کمیته ها هم مثل لالجین ، ساری قمیش و جمشید آباد هم ترتیب اثر ندادند . حتی سال گذشته جناب موسوی دادستان انقلاب چند نفر از اعضای کمیته بهار را احضار نمودند و توصیه نمودند که به هیچ وجه مزاحمتی برای بهائیان فراهم نشود و حتما نامه ها در پرونده موجود است . علاوه بر این تمام کمیته های ایران نیست فقط شامل کمیته های دهاتی می شود که بهایی بوده و ترتیب اثری نداده اند .

س : متهم هستید که مبالغ زیادی پول از محفل همدان به طهران و اسرائیل فرستاده شده ؟

ج : دفاتر محاسبات محفل همدان در دادگاه موجود است و کاملا وجوه آن مشخص است ، و دارای سه ستون دریافتی ، مخارج و باقیمانده دارد که معلوم است یک نفر ۱۰ تومان یکی ۱۰۰ تومان و دیگری بیشتر و یا کمتر پول داده اند و محفل دو نوع مخارج دارد ، محلی و ملی . که باز مشخص است که مخارج محلی چقدر است و ملی چقدر . و اصولا ما پولی به دولت اسرائیل نفرستاده ایم و هیچ ارتباطی هم نداریم

س : محفل ملی مبالغ خیلی زیادی پول به اسرائیل فرستاده است .

ج : محفل ملی هم با دولت اسرائیل ارتباطی ندارد و مقدار جزئی پولی هم که فرستاده می شود فقط برای حفظ و نگهداری اماکن دینی ما در دو شهر عکا و حیفا می باشد . و این مبلغ هم که فرستاده شده قانونی و مطابق قوانین و مقررات بانکی کشور . و حتما برگ یا فیش بانکی آن در دست شما است و هیچ کار غیر قانونی انجام نشده .

س : شما هژبر یزدانی را می شناسید بهایی است یا خیر ؟

ج : من هژبر یزدانی را به شکل ندیده ام ولی نام او را شنیده ام که فرد بهایی و مدتی طرد اداری بوده است و پس از چند سال از عمل خود نادم شده و طی توبه نامه ای تقاضای عفو و بخشش نموده و بعد مورد عفو قرار گرفته تا این حد می شناسم .

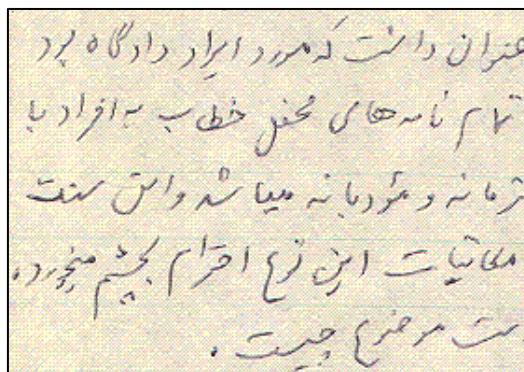
س : مکاتبه ای هم با هژبر دارید یا خیر ؟

ج : من هیچ نوع مکاتبه ای نداشته ام شاید افرادی نامه ای نوشته باشند .

س : محفل همدان نامه ای نوشته یا خیر ؟

ج : خوب به خاطر ندارم ولی گویا این اواخر نامه ای مربوط به بانک صادرات نوشته شده . چون فردی به نام آقای تبیان کارمند بانک مذکور که اخراج شده بود و آقای هژبر یزدانی هم عضو هیئت مدیره بانک بود طی نامه ای توصیه شده که به کار ایشان رسیدگی نمایند.

سپس نامه محفل را خواندند تیترا نامه (خادم امرالله) عنوان داشت که مورد ایراد دادگاه بود . گفتند خیلی مودبانه نوشته شده . جواب دادم تمام نامه های محفل محترمانه و مودبانه می باشد و این سنت و سبک نامه نگاری محفل می باشد و در تمام مکاتبات این نوع احترام به چشم می خورد .



س : نامه ای از محفل ملی برای تلکس است موضوع چیست ؟

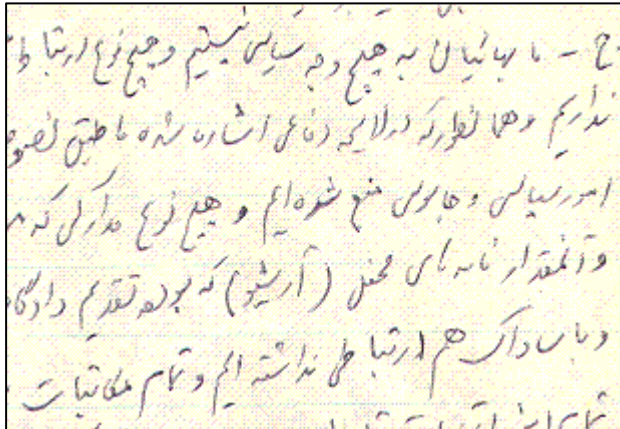
ج : طی نامه ای از محفل ملی ، پیشنهاد شده بود که برای تسریع ارتباط کارهای روحانی در همدان تلکس نصب شود . محفل همدان هم جواب دادند که در همدان نیازی به تلکس نیست اگر محفل ملی لازم دارند خودشان نصب کنند و این هم به نظر من جرم نیست چون تلکس در همه بازرگانی ها و شرکتهای مهم وجود دارد .

س : هیئت مشاورین و لجنات چکار می کنند ؟ ارتباط جاسوسی دارند؟

ج : مشاورین کارشان تشویق بهایی ها است و چون جامعه بهایی که در جهان حکم واحد دارد ، یک برنامه تربیتی (جوانان ، نوجوانان و...) که در یک نقطه خوب انجام می شود و نتیجه مثبت دارد ، همان برنامه به بهائیان کشور دیگر پیشنهاد می شود که با امکانات محیط خود سنجیده اگر لازم دیدند انجام دهند لجنات هم طبق نظامنامه خود که در اختیار دادگاه است ، انجام وظیفه می نمایند و مشاورین و لجنات هیچگونه ارتباط سیاسی یا جاسوسی با هیچ یک از دول دنیا ندارند و صرفاً کارشان امور روحانی در دیانت بهایی است .

س : شما متهم به جاسوسی با اجانب و اختفای مدارک و ارتباط با ساواک هستید برای آخرین دفاع هر مطلبی دارید بفرمایید .

ج : مابهیان به هیچ وجه سیاسی نیستیم و هیچ نوع ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با هیچ یک از دول جهان نداریم و



ج - ما بهاییان به هیچ وجه سیاسی نیستیم و هیچ نوع ارتباطی
نداریم و همواره نظر ما در لایحه دفاعی اشاره شده ما طبق نصوص
اسرار سیاسی و جاسوسی منع شده ایم و هیچ نوع مدارکی نداریم
و آنچه از نامه های محفل (آرشیو) که برده تقدیم دادگاه
و باس داکر هم ارتباطی نداشته ایم و تمام مکاتبات
تمام مکاتبات جنبه دادخواهی دارد نه ارتباط و تمام این

همانطور که در لایحه دفاعی اشاره شده ما طبق نصوص
شارع دینی خود از دخالت در امور سیاسی و جاسوسی
منع شده ایم و هیچ نوع مدارکی که مورد نظر دادگاه
است در نزد ما نیست و آن مقدار نامه های
محفل (آرشیو) که بوده تقدیم دادگاه توسط آقای محمد
سموات شده است و با ساواک هم ارتباطی نداشته ایم و
تمام مکاتبات جنبه دادخواهی دارد نه ارتباط و تمام این

اتهامات قاطعانه و مطمئانه تکذیب می شود و کار ما بهایی ها در حدود چهار چوب نصوص دینی ما می باشد و
همگی روحانی و معنوی است.

پایان یادداشتهای جناب سهراب حبیبی از دادگاه همدان